

نو شته نذ یر ظفر

10/07/2011

پیام همدلی

گر خدا لطف کند ما همه بیدار شویم
قول وحدت بدهیم جمله بهم یار شویم
به غم ملت دوران زده غرقه بخون
چاره سازیم و ازین معرکه بیکار شویم
به سرگور شهیدان به دعا بنشینیم
به یتیمان وطن مونس و غمخوار شویم
تخم تبعیض که در خانه ما کاشته اند
همه را محو کنیم همدل و همکار شویم
تاجک و ازبک و پشتون و هزاره همه گی
همه یک دسته گل زینت بازار شویم
زیر یک بیرق آزاده برادر گونه
پی عمران وطن رفته علمدار شویم
سارها حزب و جناح تا په بروی ما زد
همگان دور شدیم؛ تا یکی ایثار شویم
گر چه از همدگر خویش شکر رنج استیم
این شکر رنجی نه آنست که آچار شویم
گرگ های که بما از ستم همسایه شدند
تا به چند از کف شان رنج و افکار شویم
این زمان صفحهء تاریخ بخون غلطیده

بهر این غرقه بخون مونس و تیمار شویم
وقت آن نیست که از دین و زبان و از قوم
راه تبعیض بگیریم و بر فتار شویم
همه اولاد همین مادر دوران زده ایم
عیب بادا اگر از همدگر آزار شویم
ما همه گرچه بمیدان نبرد شیرانیم
شیر دل قول بهم داده وفا دار شویم
از پی ترد غلامان سیه کار پلید
مشت کو بنده بفرق سر اشرار شویم
از پشاور به کوپته و از آن تا ملتان
گوشما لانء خبیثانء تبهکار شویم
بمشرف که بود فاقد هر گونه شرف
ضربهء دست نشان داده به پیکار شویم
به حمید گل که بود مر تجع و دشمن ما
پی نا بودی این دشمن غدار شویم